

عوامل اجتماعی موثر در واگرایی گروه‌های قومی در استان ایلام

(مورد مطالعه: شهرستان دره شهر)

سیف اله سیف اللهی^۱

عیسی بسطامی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۲۵

چکیده

واگرایی قومی مسأله‌ای اجتماعی است که اگر هوشمندانه با آن برخورد نشود می‌تواند ناخواسته باعث عدم رشد و توسعه نیافتگی جامعه شود؛ و در دراز مدت به صورت غیر آشکار، امنیت، انسجام ملی، تمامیت ارضی و یکپارچگی ملتی را در معرض تهدید و تجزیه قرار دهد. واگرایی قومی در استان ایلام به عنوان یکی از استان‌های غربی کشور که از ترکیب قومیت‌های مختلفی تشکیل و با مسائل اجتماعی عدیده‌ای مواجه می‌باشد مورد توجه است. هدف این مقاله مطالعه و بررسی وضعیت موجود استان، علل و عوامل اجتماعی موثر بر واگرایی، پیامدهای وضعیت اجتماعی موجود ناشی از آن و ارائه راهکارهای راهبردی و کاربردی در بین گروه‌های قومی در جامعه مورد مطالعه از نظر واگرایی است؛ روش بکار رفته از نوع پیمایش، مطالعه میدانی و اسنادی با استفاده از تکنیک‌های تحلیل محتوا، پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده مشارکتی صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق نیز نشان می‌دهد مولفه‌هایی همچون تداخل، پیچیدگی، شدت و ضعف عوامل جغرافیایی در حدود ۸/۶۵ درصد، عوامل اقتصادی در حدود ۱/۶۱ درصد و عوامل فرهنگی در حدود ۸/۶۴ درصد به عنوان موثرترین عوامل اجتماعی شناخته شدند. در پایان نیز از عدم هماهنگی در ماهیت و کارکرد مجموعه عناصر و مولفه‌های جغرافیایی، جمعیتی، معیشتی، فرهنگی و مدیریتی بعنوان عوامل بروز واگرایی در استان ایلام یاد شده است. همچنین راهکارهای راهبردی و کاربردی نیز در جهت کاهش یا از میان برداشتن مسأله ارائه گردیده است.

واژه‌های کلیدی: گروه‌های قومی، واگرایی، ایلام، دره شهر

۱- هیات علمی گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده اصلی.

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. مسئول مکاتبات eisa.bastami@yahoo.com

۱. مقدمه

مفسران در بسیاری مواقع تصریح کرده‌اند که مطالعه و بررسی روابط قومی در جامعه‌شناسی کلاسیک جایی نداشته و آن نظریه پردازان نیز اعتنایی به این بحث نکرده و به دنبال فهم آن نیز نبوده‌اند (ملشویچ، سینیشا، ۱۳۹۰: ۳۱). در ادبیات علوم اجتماعی تفاسیر و تعاریف مختلفی از مفهوم قومیت و یا گروه‌های قومی به عمل آمده است که عمدتاً با شرایط خاص اجتماعی ایران انطباق کامل ندارد، لذا نمی‌توانند کاملاً گویای وضعیت اقوام و تنوع قومی در ایران باشند (احمدی، ۱۳۷۸: ۵۱). صرف نظر از مناقشات نظری که در تعریف این مفهوم وجود دارد آنچه واقعیت دارد و قابل اطمینان است، آن است که ما ایرانیان با گروه‌های قومی و مناطق مختلف جغرافیایی - فرهنگی روبرو هستیم که دارای سنت‌های فرهنگی و احساسات هویتی خاصی (بر پایه مشترکات نژادی، زبانی ادبیات و یا حداقل محل سکونت یا سرزمین) هستند که آنها را به عنوان یک گروه فرعی از یک جامعه بزرگ تر مشخص می‌کند. به نحوی که اعضای هر گروه قومی خود را از لحاظ ویژگی‌های خاص فرهنگی از سایر اعضای جامعه متمایز تلقی می‌کنند. بنابراین وجود گروه‌ها و مناطق فرهنگی مختلف در کشور که بر اساس تمایزات نژادی، زبانی خاص شکل گرفته و قابل شناسایی هستند امری غیر قابل انکار به نظر می‌رسد. به سخن دیگر "تنوع وجود هویتی و نوع قومی آن در ایران بایستی مفروض گرفته شود" (ایوبی، ۱۳۷۷).

تنوع اقوام ایرانی در مناطقی همچون آذربایجان، گیلان، خراسان و خوزستان، ایلام، سیستان و بلوچستان و مناطق کویری حاکی از این تفاوت‌ها است. هر کدام از استان‌های یاد شده دارای مختصات و ویژگی‌های خاص خود است. استان ایلام - به عنوان جامعه‌ی هدف مورد بررسی - چنین ترکیب ناموزونی را داراست. ترکیب جمعیتی و قومی از مولفه‌های بنیادین این جامعه از یکسو و شرایط ناهمگون جغرافیایی و اقلیمی از سوی دیگر همواره این استان را با فراز و نشیب‌هایی همراه نموده و باعث بروز مشکلات و مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی گردیده است. وجود گروه‌های قومی باخرد فرهنگ‌های خاص خود، نزدیکی و گاهی تداخل مرزهای جغرافیایی باعث بروز نوعی اختلافات قومی و قوم‌گرایی و در ادامه جدایی طلبی گروه‌های مذکور گردیده و این استان را با چالش‌هایی روبرو ساخته است که به جرات می‌توان آنرا یکی از موانع توسعه یافتگی در این منطقه برشمرد.

معمولاً در میان افراد و گروه‌های یک قلمرو جغرافیایی که دارای نژاد، زبان، آداب و رسوم مشترک باشند، نوعی همبستگی قومی شکل می‌گیرد. این همبستگی قومی ویژگی‌ای است که نسبت به خودی احساس همدردی و نسبت به دیگران احساس بیگانگی ایجاد می‌کند که از دیدگاه علوم اجتماعی احساس همدردی را میتوان همگرایی^۱ و احساس بیگانگی را واگرایی^۲ تلقی نمود. این اصطلاحات معمولاً در پژوهش‌های علوم انسانی بیشتر در حوزه علوم سیاسی و بین‌المللی است اما منظور ما در اینجا کاملاً جنبه اجتماعی دارد. گسترش روابط اجتماعی، افراد جامعه را به گروه‌های گوناگون تقسیم می‌کند. بر اثر گذشت زمان همسانی و همگونی گروه‌ها سبب نزدیکی افراد گروه‌ها به یکدیگر می‌شود. از طرفی، پراکندگی اختیاری و یا اجباری انسانها در مناطق مختلف کره زمین نیز گروه‌های اجتماعی متعددی را به وجود می‌آورد که با دخالت عواملی چون آب و هوا، شرایط زندگی، محیط طبیعی و موقعیت اجتماعی - اقتصادی ویژگی‌های متفاوت از سایر گروه‌ها پیدا می‌کنند. این گروه‌ها را در جامعه‌شناسی، گروه‌های قومی می‌نامند (سیف‌اللهی، ۱۳۸۸: ۱۸۱).

روابط گروه‌های قومی در سیستم اجتماعی، با توجه به شرایط اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی دسته‌بندی‌هایی را به وجود می‌آورد که در جامعه‌شناسی اصطلاحاً اکثریتها و اقلیت‌های قومی نامیده می‌شوند. گروه‌های قومی، ویژگی‌های سایر گروه‌های اجتماعی را دارند. گاهی بین اقلیتها و اکثریت‌های قومی تعاون و همکاری به وجود می‌آید. گاهی در بین آنها تنشها، تضادها

1.convergence

2.divergence

و اختلافاتی ایجاد می‌شود. معمولاً روابط گروه‌های قومی در اغلب جوامع با ستیز و تنش همراه است. گاهی منافع گروه‌های قومی، منافع طبقاتی افراد طبقه^۱ را تحت الشعاع قرار می‌دهد. تا زمانی که در یک جامعه روابط گروهی در وضعی عادی قرار دارد مسئله و مشکلی برای نظام اجتماعی به وجود نمی‌آید. اما وقتی گروه‌های اجتماعی، مثلاً گروه‌های قومی، از نظر منافع اجتماعی - اقتصادی^۲ و منافع فرهنگی^۳ - سیاسی^۴ مورد تعرض قرار گیرند سیستم اجتماعی^۵ متشنج شده و در جامعه ناسازگاری اجتماعی پدید می‌آید (همان: ۱۸۲).

ایران به عنوان سرزمینی که در مقوله تنوع زبانی و قومی در جهان با ۲۴ درصد همانندی، در رتبه شانزدهم است، شناخته می‌شود. در ایران اگر چه فارسی‌زبانان با بیش از ۶۰ درصد جمعیت، اکثریت دارند، لیکن وجود شش قومیت ترک، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن و لر در آن به چشم می‌خورد. کیفیت و ماهیت چنین آمیختگی - که گاه مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی گوناگونی را برای جامعه ایران به همراه آورده - به گونه‌ای بوده که جامعه از انسجام و حرکت‌های موزون اقتصادی، اجتماعی باز مانده است (سیف‌اللهی، ۱۳۷۴: ۱۶۲). حمله‌های اقوام گوناگون با شیوه‌های معیشتی و تولیدی متفاوت و متباین به ایران در طول تاریخ، یکی از عوامل اثر گذار در از هم گسیختگی فرهنگی، جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی بوده است (سیف‌اللهی، ۱۳۹۰: ۱۹۷).

استان ایلام دلیل موقعیت جغرافیایی و شرایط آب و هوایی و قرار گرفتن در بین ۳ استان خوزستان، لرستان و کرمانشاه و از طرفی همسایگی و ارتباط مرزی ۴۰۰ کیلومتری با کشور عراق، در حال حاضر بطور طبیعی از اقوام^۶ مختلفی تشکیل گردیده است که عمده آن را کرد، لر، لک و عرب تشکیل می‌دهند. کردها، جمعیت اصلی و عمده استان ایلام هستند. آنان در شهرهای ایلام، ایوان، مهران، شیروان، چرداول، بدره، بخشهایی از دره‌شهر، آبدانان و دهلران ساکن هستند. جز کردها، لرها در بخش‌هایی از شهرهای دره‌شهر، آبدانان و دهلران به سر می‌برند. درصدی از جمعیت استان را در مناطق موسیان و دشت عباس شهرستان دهلران را نیز عرب‌ها تشکیل می‌دهند. به طور کلی نسبت لرها و عرب‌ها به کردهای استان ایلام کمتر می‌باشد لذا این اقوام در استان ایلام در اقلیت هستند (حق پناه، ۱۳۷۷: ۶۷). ترکیب ناموزون جمعیتی ایلام به عنوان یکی از مولفه‌های بنیادین این جامعه از یکسو و شرایط ناهمگون جغرافیایی و اقلیمی از سوی دیگر همواره این جامعه را با فراز و نشیب‌هایی همراه نموده و باعث بروز مشکلات و مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی گردیده است. وجود گروه‌های قومی باخرد فرهنگ‌های خاص خود، نزدیکی و گاه تداخل مرزهای جغرافیایی باعث بروز نوعی اختلافات قومی و قوم‌گرایی و در ادامه جدایی‌طلبی گروه‌های مذکور گردیده و جامعه را چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح ملی و بین‌المللی دچار چالش‌های جدی گردانیده است که این چالشها در ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی خودنمایی کرده‌اند. در بعد سیاسی با بحرانهایی چون برخورد سیاسی با انتخابات (مشارکت یا عدم مشارکت) به عنوان ابزاری برای اعمال بر دولت و کاستن از مشروعیت سیاسی آن، تحریک و تبلیغ افکار قوم‌گرایانه و ایجاد تشنج و دودستگی و آسیب‌پذیر ساختن همبستگی ملی و منطقه‌ای، در بعد اجتماعی با بحرانهایی چون گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی مثل توزیع و مصرف مواد مخدر، سرقت، قتل، منازعات و درگیری‌های قومی، در بعد فرهنگی با بحرانهایی چون ایجاد تشکلهای فرهنگی به منظور مقابله با فرهنگ ملی، گسترش رسانه‌ها و استفاده از ظرفیتهای رسانه‌ای کشورهای بیگانه در جهت تحریک افکار قوم‌گرایانه و در بعد اقتصادی با بحرانهایی چون عدم تمایل به مشارکت فعال سرمایه‌داران

1. stratum
2. social economic
3. cultura
4. politic
5. social system
6. kinfolk

قومی در سرمایه گذاری ملی و محلی (توسعه اقتصادی). گسترش روزافزون قاچاق در مناطق مرزی و خروج سرمایه های اقتصادی به کشورهای همسایه روبرو خواهیم بود (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۱۰۹). با توجه به مطالب گفته شده به نظر می رسد مساله اصلی پژوهش را می توان اینگونه عنوان داشت که مهمترین علل و عوامل اجتماعی موثر در واگرایی گروه های قومی ساکن در استان ایلام کدامند؟ که بر این اساس در ادامه به نظریه های مرتبط با بحران های قومی پرداخته شده است:

نظریه های جامعه شناختی در مورد بحرانهای قومی



تمامی نظریات جامعه‌شناختی در خصوص بحران‌های قومی که در جستار پیشین بدان‌ها اشاره گردید غالباً، بحران‌ها، تعارضات، تفاوتها و تعارضات قومی را از زوایای مختلف جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار داده‌اند. برخی از آنها منشا این تعارضات را به خارج از مرزهای بین‌المللی و با رویکردی سیاسی و با دخالت عامل خارجی مورد بحث قرارداده‌اند و برخی دیگر علت آنرا در سطوح فردی و گروهی و تعدادی نیز بر عدم توزیع نامناسب منابع مختلف انگشت گذاشته‌اند. تعدادی هم بر احساسات قوم‌مدارانه و نژادی توجه کرده‌اند. در اینجا ما با توجه به خاستگاه اصلی این پژوهش که بررسی عوامل صرفاً اجتماعی مساله می‌باشد سعی نموده‌ایم با بهره‌گیری از نظریاتی که نزدیکی بیشتری با وضعیت جامعه مورد مطالعه دارد در جهت تعیین مسیری بر آن اساس پژوهشمان را دقیق و منسجم انجام دهیم. نظریاتی را که مورد استفاده ما قرار گرفته است تشریح می‌نماییم:

۱. تئوری «هشتر»^۱ تحت عنوان استعمار داخلی که عناصر اصلی آن عبارتند از: تقسیم کار فرهنگی و الگوی تبعیض آمیز ساختار اجتماعی حاکم - محکوم و یا مسلط و زیر سلطه (واکنش مناطق محروم نسبت به مناطق بهره‌مند)؛
 ۲. تئوری «تد رابرت گر»^۲ تحت عنوان محرومیت نسبی عنصر اصلی آن اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی ارزشی است؛
 ۳. تئوری «گوبو گلو»^۳ که بر غصب موقعیت‌ها و فرصت‌های ممتاز توسط اعضای گروه مسلط قومی در درون یک جامعه تاکید دارد؛
 ۴. نظریه هویت جویی اسمیت^۴ که بر اساس آن تمایل و نیاز جامعه قومی به کسب هویت قومی خود و رسمیت بخشیدن به آن عامل اصلی نهضت جدایی طلبی و مرکز‌گریزی قومی است (هویت؛ اسطوره‌ها - خاطرات تاریخی - فرهنگ قومی)؛
 ۵. نظریه تعصب و پیش‌داوری «دیوید مایر»^۵ که بر اساس آن تعصب، پیش‌داوری بر اساس سه عامل نابرابری اجتماعی - مذهب - درون و برون گروه و تفکیک‌های نمادی باعث بروز خشونت‌های قومی می‌گردد؛
 ۶. نظریه سیف‌اللهی که در واقع مسایل اجتماعی را در درون یک جامعه به دلیل عدم انطباق مولفه‌ها و عناصر پنجگانه، جغرافیایی، جمعیتی، معیشتی، اقتصادی و فرهنگی می‌داند.
- با پذیرش اصل تنوع قومی در ایران شایسته است تا با بکار بردن نظریه‌های جامعه‌شناختی مرتبط با بحران قومی الگویی جهت پیشبرد پژوهش حاضر ارائه دهیم. عوامل رشد واگرایی متعدد است و تئوری‌های مختلفی برای توضیح آن مطرح شده است. عمده‌ترین این نظریات که ناظر بر چگونگی تعارضات و بحران‌های قومی هستند عبارتند از: "استعمار داخلی هشتر"، "احساس محرومیت نسبی" «تد رابرت گر»، "نظریه گوبو گلو"، "نظریه هویت جویی" «اسمیت» و "نظریه تعصب و پیش‌داوری" «دیوید مایر» و "نظریه مولفه‌ها و عناصر نظام اجتماعی سیف‌اللهی" لذا با بهره‌بردن از این نظریه‌ها چارچوب نظری پژوهش تدوین شده است.

بر اساس نظریه هشتر متغیر استعمار داخلی در واگرایی مورد توجه است، بر این اساس نابرابری و توزیع ناهمگون منابع میان مناطق مختلف یک واحد ملی که دارای گوناگونی قومی و فرهنگی است مورد تاکید است، تاکید اصلی این نظریه بر این نکته است که همبستگی قومی ممکن است در داخل یک جامعه‌ی ملی در حال ظهور در نتیجه‌ی تشدید نابرابری‌های

1.M.Hechter 1975

2.Robert gur 1970

3.Guboglo1991

4.Smith 1971

5.David Meyer 1993

ناحیه‌ی میان یک مرکز فرهنگی متمایز و جمعیت پیرامون آن تقویت شود. چالش‌های ساختاری گروه تابع پیرامونی، به ویژه هنگامی که گروه از نظر جغرافیایی در ناحیه‌ی خاص متمرکز باشد، ممکن است شکل خواست‌های تجزیه طلبانه، چه به عنوان یک هدف استراتژیک و چه به عنوان یک موضع مناسب برای چانه زنی به خود بگیرد.

نظریه دیگری که مورد توجه می‌باشد محرومیت نسبی «رابرت تدگر» است، «گر» محرومیت نسبی را ناشی از اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی ارزشی می‌داند؛ بدین معنا که شکافی عمیق بین کالا و شرایط زندگی که مردم خود را مستحق آن می‌دانند و شرایطی که مردم در صورت دارا بودن ابزار جمعی قادر خواهند بود، آنها را به دست آورند، وجود دارد، می‌توان چنین گفت؛ هویت قومی زمانی اهمیت می‌یابد که با افراد یک گروه قومی به واسطه تعلقشان به آن گروه رفتار تبعیض آمیزی صورت گیرد، بنابراین هر چه احساس محرومیت بیشتر، گرایش به حفظ فرهنگ بیشتر و این گرایش به قوم مداری و واگرایی قومی می‌انجامد. متغیر مورد نظر در نظریه گوبوگلو موضوع عدم تناسب و عدم ارتباط میان ساختارهای قومی و اجتماعی می‌باشد.

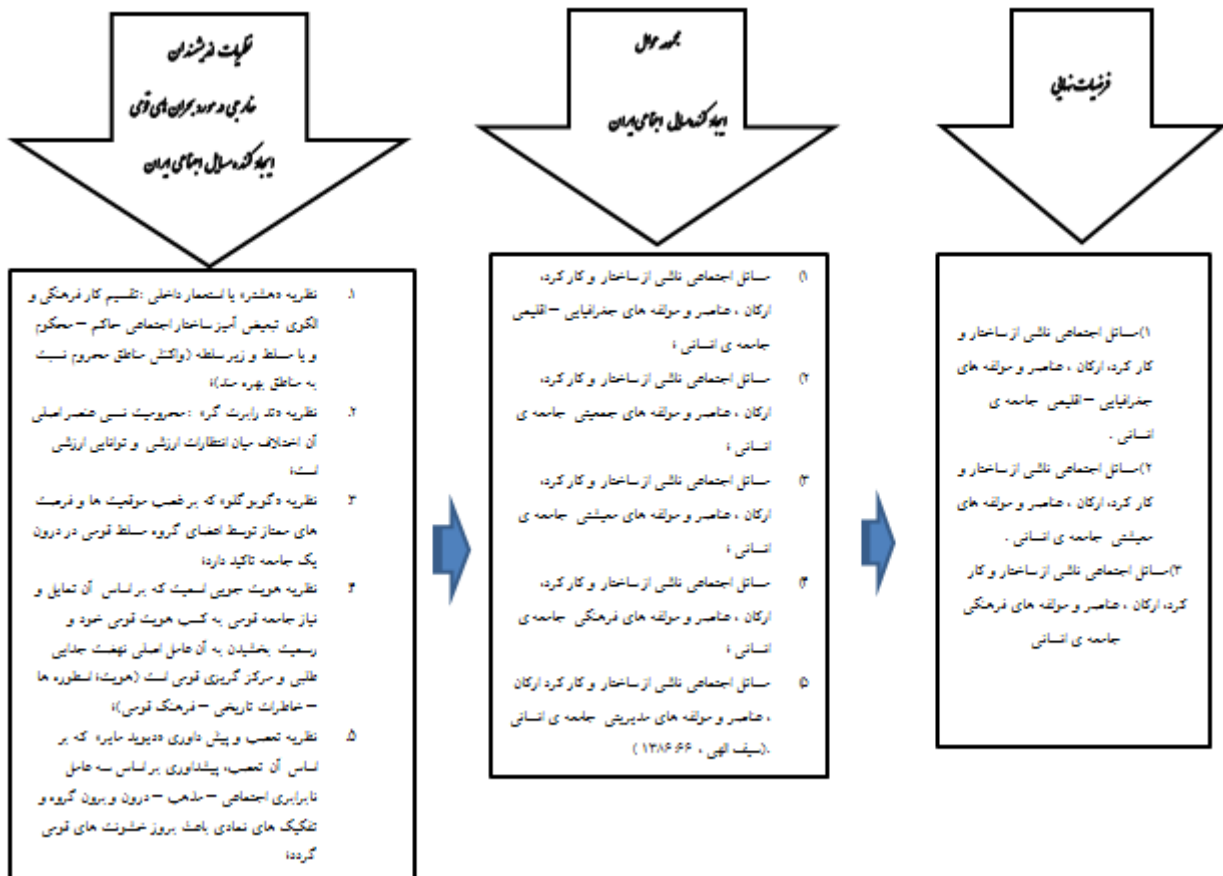
متغیر دیگری که در این پژوهش مورد بررسی است؛ هویت قومی است، نظریه دیگر در زمینه واگرایی قومی دیدگاه هویت جویی «اسمیت» است؛ بحث اصلی این نظریه تمایل و نیاز جامعه قومی به کسب هویت قومی خود و مرکز‌گرایی است. چنین به نظر می‌رسد که منشا این نظریه قوم مداری است. دیگر متغیر مورد بررسی در این تحقیق، تعصب و پیش داوری است؛ «دیوید مایر» چهار دسته از عوامل را منشا تعصب می‌داند:

اول، نابرابری اجتماعی بواسطه تعصب و تبعیض، دوم، مذهب از آن سو که بخشی از تعصبات از آموزه‌های دینی می‌باشد، سوم درون گروه و برون گروه حکایت از احساس تعلق به خودی و عدم احساس تعلق به دیگری و بالاخره چهارم تفکیک نهادی نیز باعث بروز خشونت‌های قومی می‌گردد.

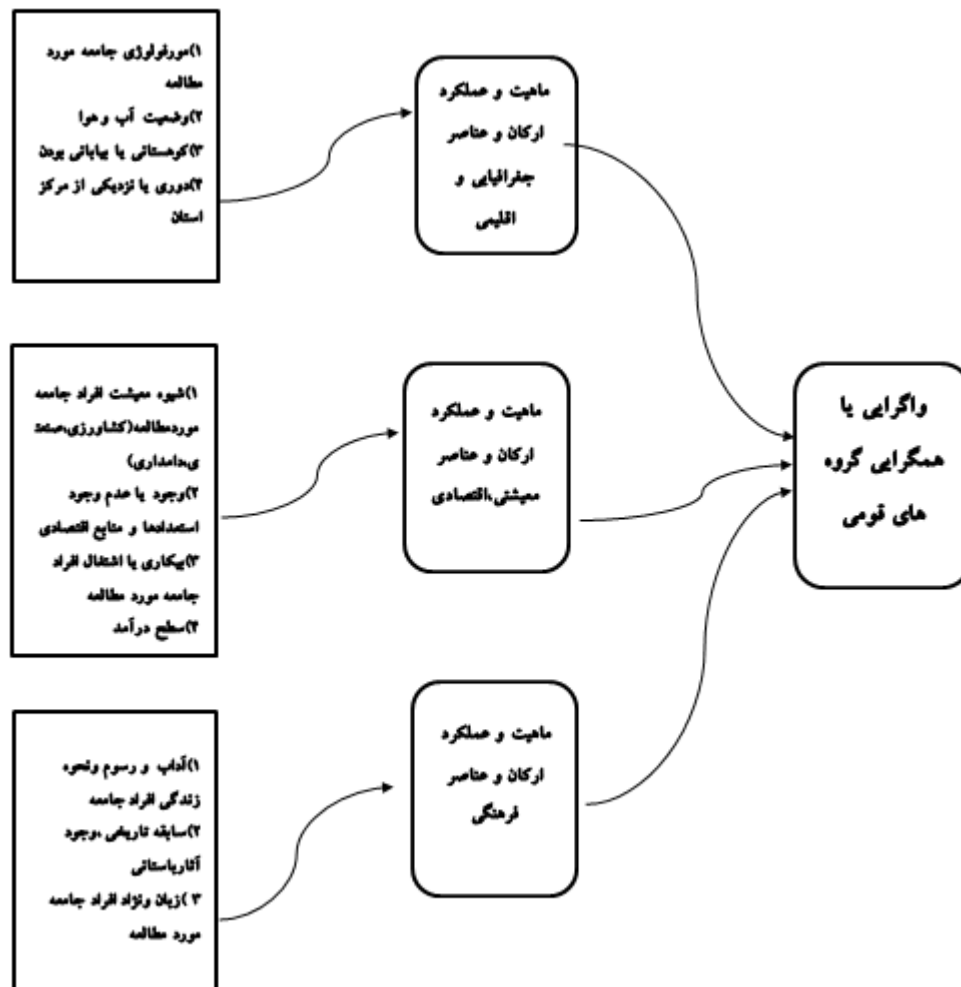
وفاداری به گروه خودی می‌تواند سبب تنزل ارزش‌های گروه دیگر در نزد اعضای گروه خودی شود، هر چه احساس هویت و معاشرت درون گروهی تقویت شود، پیش داوری افراد نسبت به برون گروه افزایش می‌یابد. پیش فرض ما در این پژوهش این است که احساس محرومیت نسبی، تعصب و پیش داوری قومی و کسب هویت قومی از عواملی است که سبب واگرایی قومی می‌گردد. از مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از نظریات احساس محرومیت نسبی «تد رابرت گر»، نظریه هویت جویی «اسمیت» و نظریه تعصب و پیش داوری «دیوید مایر» می‌تواند راهگشای ما در این پژوهش باشد.

در یک جمع بندی کلی میتوان گفت یکی از مسایل اجتماعی اصلی در ایران واگرایی گروه‌های قومی است. توصیف این وضعیت نباید به معنای اهمیت ناچیز آن تلقی شود بلکه این موضوع از موانع جدی در شرایط فعلی است و نیاز به تحلیل و تبیین جامعه‌شناسی دارد. لذا نظریه کامل و جامع سیف‌اللهی از میان نظریه پردازان داخلی به عنوان پارادایم خاص در بررسی این مساله علاوه برآنکه از قدرت تبیینی بالایی برخوردار است به لحاظ جامعیت آن توان پوشش دادن به نظریه‌های سایر صاحب نظران خارجی در خصوص بررسی مسایل اجتماعی ایران را دارا می‌باشد. الگوی زیر به عنوان مشخص کننده این موضوع و معرفی نظریه‌های مورد استفاده و همچنین چگونگی تطبیق و تفریق و نتیجه نهایی برای انتخاب چارچوب این پژوهش بر گرفته از پارادایم مذکور معرفی می‌شود.

شکل شماره (۱) : مدل چارچوب نظری تحقیق



شکل شماره (۲) : مدل تحلیل پژوهش واگرایی قومی



۰۲ روش

این پژوهش با استفاده از روش پیمایشی به بررسی مجموعه‌ای از ویژگی‌ها پرداخته است و به دلیل گستردگی و حساسیت موضوع و به منظور گردآوری داده‌های تکمیلی و نیل به نتایج دقیق‌تر، از روش مطالعه میدانی و روش اسنادی که غالباً در همه پژوهش‌ها به عنوان یکی از روشهای ثابت در کنار سایر روش‌هاست نیز بهره‌گرفته شده است. لذا ترکیب و تلفیق از سه روش پیمایشی، میدانی و اسنادی توأماً دیده می‌شود.

در این پژوهش نیز با توجه به گستردگی جامعه مورد مطالعه و همچنین با توجه به ترکیب روشهای مورد استفاده ناگزیر به انتخاب دو نوع نمونه‌گیری کمی و دیگری نمونه‌گیری کیفی می‌باشیم، برای انتخاب حجم نمونه از میان ۱۴۸۹۱ خانوار با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۷۵ نفر از کل جامعه آماری انتخاب گردید که با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای نسبت به انتخاب خوشه‌های مورد نظر در سطح جامعه آماری و پخش پرسشنامه اقدام شد.

در انتخاب حجم نمونه به روش کیفی نیز ضمن تقسیم جامعه به تیپ‌های ایده آل اقبال گوناگون، روش نمونه‌گیری اشباع شده یا هدفمند را مورد انتخاب قرار می‌دهیم. در روش کیفی غالباً نمونه‌گیری را تا آنجا ادامه می‌دهند که پاسخهای دریافتی محقق را به این نتیجه برساند که ادامه جمع‌آوری اطلاعات، اطلاعات تازه‌ای را در بر ندارد یعنی نمونه‌گیری به حد اشباع می‌رسد. واحد تحلیل در این تحقیق گروه قومی و واحد آماری افراد سرپرست خانوار می‌باشد. ابزار جمع‌آوری وسیله‌ای برای دریافت اطلاعات و داده‌ها از جامعه مورد مطالعه می‌باشد، لذا تکنیکهای مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه با طراحی سوالات بسته، استاندارد یا محقق ساخته و همچنین مصاحبه، مشاهده مشارکتی و تحلیل محتوای متون می‌باشد.

همچنین برای سنجش میزان پایایی پرسشنامه مورد استفاده در پژوهش از آلفای کرونباخ استفاده شده است، که نتایج نشان می‌دهد ضریب آلفای واگرایی قومی برابر ۰/۷۲... اینقدر است که بر اساس این آلفا می‌توان گفت آلفای به دست آمده دارای پایایی مناسبی است. پایایی (reliability) یکی از ویژگیهای فنی ابزار اندازه‌گیری است. این مفهوم با این امر سروکار دارد که ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی بدست می‌دهد. برای محاسبه ضریب پایایی شیوه‌های مختلفی وجود دارد که در مطالعه حاضر از روش آلفای کرونباخ (Cronbach Alpha) استفاده شده است. همچنین در این پژوهش، داده‌های کمی بر اساس آمارهای توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار spss و داده‌های کیفی بر اساس تحلیل محتوی، مقوله بندی و کشف عوامل اصلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. در آزمون فرضیه‌ها در سطح دو متغیره از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و در سطح چند متغیره از رگرسیون خطی استفاده گردید.

جدول شماره (۱): نتایج آزمون کرونباخ آلفا

شاخص	شماره و تعداد گویه	ضریب آلفا
واگرایی گروه‌های قومی	۳۶-۳۰-۲۹-۱۸	۰/۷۲۱
عناصر جغرافیایی و اقلیمی	۲۰-۱۹-۱۷-۱۶	۰/۷۰۵
عناصر معیشتی	۲۸-۲۷-۲۶-۲۵-۲۴-۲۳-۲۲-۲۱	۰/۸۳۱
عناصر فرهنگی	۳۷-۳۵-۳۴-۳۳-۳۲-۳۱	۰/۷۰۵

۳. یافته‌ها

به منظور بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته از رگرسیون چندمتغیره استفاده می‌شود. متغیر وابسته در این مطالعه به صورت شبه فاصله ای است. لازم به یادآوری است که روش بکار گرفته شده جهت تحلیل داده‌ها در رگرسیون خطی، روش Forward بوده است. در روش مذکور، ابتدا آن متغیر مستقلی که همبستگی اش با متغیر وابسته از همه قوی تر است وارد تحلیل می‌گردد. سپس دومین متغیر، متغیری است که بعد از متغیر اول، بیشترین افزایش در ضریب تعیین را موجب می‌شود. به عبارتی پس از متغیر اول بالاترین مجذور همبستگی را با متغیر وابسته داراست. سومین متغیر آن است که پس از تفکیک دو متغیر مقدم بر آن، بالاترین مجذور همبستگی را با متغیر وابسته داراست. به همین ترتیب متغیرهای دیگر که مجذور همبستگی هر یک از آنها با متغیر وابسته بزرگترین است، وارد معادله

می‌شوند. البته در این مدل رگرسیونی صرفاً متغیرهایی وارد می‌شوند که رابطه معنی‌داری با متغیر وابسته در تحلیل دو متغیره داشته‌اند و متغیرهایی که رابطه معنی‌داری با متغیر وابسته نداشته‌اند، وارد نشده‌اند. پس از ورود متغیرهای مستقل در تحلیل رگرسیونی، بر اساس روش پیش‌رونده، طی سه مرحله متغیرهای عنصر معیشتی، عنصر جغرافیایی، و عنصر فرهنگی معنی‌دار بوده‌اند.

جدول شماره ۲- متغیرهای مستقل باقیمانده در مدل رگرسیونی برای توسعه فرهنگی

انواع مدل	ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد شده	t مقدار	سطح معنی‌داری
مدل (۱)	مقدار ثابت	Beta	۶/۲۲۹	۰/۰۰۰
	عنصر معیشتی	B	۱۹/۵۱۸	۰/۰۰۰
	مقدار ثابت	Beta	۴/۶۷۷	۰/۰۰۰
مدل (۲)	عنصر معیشتی	B	۹/۱۷۵	۰/۰۰۰
	عنصر جغرافیایی	Beta	۸/۶۵۷	۰/۰۰۰
	مقدار ثابت	B	۲/۹۵۴	۰/۰۰۳
مدل (۳)	عنصر معیشتی	Beta	۵/۳۷۴	۰/۰۰۰
	عنصر جغرافیایی	B	۸/۰۹۱	۰/۰۰۰
	عنصر فرهنگی	Beta	۲/۲۴۲	۰/۰۲۶

پس از ورود متغیرها و استفاده از روش پیش‌رونده، سه مدل به صورت مرحله به مرحله ایجاد شده‌اند. در مدل شماره یک، متغیر مستقل عنصر معیشتی معنی‌دار بوده است. در مدل دوم، متغیرهای عنصر معیشتی و عنصر جغرافیایی معنی‌دار بوده‌اند. در مدل سوم، متغیرهای عنصر معیشتی، عنصر جغرافیایی و عنصر فرهنگی معنی‌دار بوده‌اند. مدل سوم توانسته است ۶۰ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین نماید.

معادله استاندارد شده با سه متغیر به صورت زیر است:

$$\text{واگرایی} = \text{عنصر معیشتی} (۰/۳۳۶) + \text{عنصر جغرافیایی} (۰/۳۸۵) + \text{عنصر فرهنگی} (۰/۱۳۲)$$

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها و همچنین آزمون فرضیات بر اساس آن چه که در جستار فوق‌آمد فرضیات مطرح شده هم در سطح جزئی و هم در سه سطح کلی مورد تایید قرار گرفتند و نتیجه این که عوامل زیر در بروز مساله واگرایی از اولویت بیشتری برخوردارند:

۱. کارکرد و ماهیت مجموعه ارکان، عناصر و مولفه‌های جغرافیایی و اقلیمی؛

۲. کارکرد و ماهیت مجموعه عناصر و مولفه‌های اقتصادی و معیشتی؛

۳. کارکرد و ماهیت مجموعه عناصر و مولفه‌های فرهنگی

در پژوهش حاضر به بررسی علل و عوامل اجتماعی موثر بر واگرایی قومی در استان ایلام پرداختیم. با استفاده از روشهای ترکیبی و تلفیقی اسنادی، پیمایشی و میدانی با تکنیک‌های مرتبط به هر کدام با حجم وسیعی از اطلاعات روبرو شدیم. لذا لازم به تذکر است دستاوردهای خود را که از روشهای نامبرده فوق بدست آمده است به همراه تکنیک مربوطه به صورت مجزا آورده ایم.

در مطالعات اسنادی در خصوص، وضعیت کلی شهرستان دره شهر، وضعیت اقلیمی، موقعیت جغرافیایی، پیشینه تاریخی وضعیت اقتصادی و معیشتی دستاوردهایی به شرح ذیل بدست آمد: این استان در جنوب غربی ایران واقع شده و از شمال با استان کرمانشاه، از شرق با استان لرستان، از جنوب با استان خوزستان و از غرب با کشور عراق هم مرز است. «دره شهر» امروز از توابع استان ایلام در عرض و طول جغرافیایی ۳۳ درجه و ۷ دقیقه و ۴۷ درجه و ۲۱ دقیقه در ۱۴۲ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان ایلام و ۳۵ کیلومتری غرب شهرستان پل دختر، و در جوار ویرانه های شهر قدیم و در غرب آن بنا شده است (لک پور، ۱۳۸۹: ۱۱) جمعیت دره شهر طبق برآورد مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۹، ۵۸۹۶۱ نفر بوده است (دفتر آمارهای کاروسرماری، کد: ۰۷-۰۳-۸۹)؛ وضعیت معیشتی و اقتصادی شهرستان دره شهر به دلیل داشتن زمینهای مسطح و حاصل خیز و وجود تعداد زیاد رودخانه ها و بارندگی های فصل سرد زمین های حاصلخیز آن از گذشته های دور تا به امروز برای کاشت انواع محصولات کشاورزی مناسب بوده و طی طول تاریخ یکی از قطب های کشاورزی ایران بوده است. متون تاریخی به اتفاق همواره از باغات و نخلستان های آباد و پر بار منطقه در روزگاران گذشته، یاد کرده اند (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۱۲). در متون آمده است «زمانی که ابو موسی اشعری، دینور و سیمره را تصرف می کند، مدت های مدیدی آذوقه پادگان از سیمره تامین می شده است» (اشپولر، ۱۳۷۳: ۱۹). همچنین در سده سوم هجری به علت پیشرفت اقتصاد پولی و شبکه حمل و نقل، مراکز بزرگ تجاری و انبارهای عمده که تا حدی در دوران پیش از اسلام از اهمیت شان کاسته شده بود، مجدداً ایجاد شد از جمله شهر «سیمره» در کوه های زاگرس که در آن خرما و گردو و ... انبار می شد (همان: ۲۲۳). امروزه کشت اصلی منطقه را عموماً گندم و جو به ندرت برنج تشکیل می دهد و در کنار آن حبوبات، ذرت، کنجد، گردو، انار، انگور، سیب، و انجیر صیفی جات کاشته می شود. افزون بر این رستنی های این منطقه شامل درختان بلوط، بنه، بادام کوهی، گیلاس وحشی، انار، انجیر کوهی می باشد. زمین های این منطقه نیز دارای مراتع و چراگاه های سرسبز و پر علف است. این شرایط اقلیمی و وجود مراتع، موقعیت مناسبی برای اطراق عشایر و کوچ نشینان و چرای احشام آنها فراهم آورده است و در فصل زمستان حضور سیاه چادرها در جای جای این منطقه مشهود است. بقایای «دره شهر کهن» در مجاورت شهر جدید التاسیس، که مدت مدیدی از تاریخ ساخت آن نمی گذرد قرار دارد (لک پور، ۱۳۸۹: ۱۰)؛ تمامی سطح شهر تاریخی با لایه ضخیمی خاک سیاه متشکل از کود حیوانی و گیاه خاک پوشیده شده است. ضخامت این لایه در نقاط مختلف شهر متفاوت بوده و گاه به بیش از ۶۰ سانتی متر می رسد و در لابه لای قطعات سنگ های لاشه به مقدار فراوان دیده می شود که این سنگ ها متعلق به بناهای شهر تاریخی می باشد که در سطح محوطه پراکنده شده اند. همچنین در سطح شهر و در میان ویرانه های شهر و در لابه لای خاک سیاه سطحی قطعات سفالینه های لعابدار و بی لعاب جلب نظر می نماید. با برداشتن این لایه خاک سیاه و پاکسازی آن، آثار معماری مشخص می شوند. (لک پور، ۱۳۸۹: ۱۱). وضعیت فرهنگی و تاریخ در این شهر حاکی از آمار بالای افراد تحصیل کرده است و حدود ۸۵ درصد جمعیت شهر را در برمی گیرد (لک پور، ۱۳۸۹: ۱۱) گویش مردمان شهرستان دره شهر لری و لکی است (گزارش اقتصادی، اجتماعی استان ایلام: ۲۵) و غالباً از نژاد لر و لک هستند. دره شهر دارای سابقه تاریخی زیادی است و آثار تاریخی انبوهی را در خود جای داده است از جمله: تنگه بهرام چوبین، تنگه ماژین از توابع دره شهر؛ شهر باستانی ماداکتو، شهر باستانی سیمره (ماژین)، ویرانه های شهر سامرا، شهر باستانی مهرجان قدق، آتشکده ساسانیان، پل تاریخی گاو میشان مربوط به ساسانیان (۱۳۸۵: گزارش اقتصادی، اجتماعی استان ایلام).

دستاورد دیگر برگرفته از روش پیمایشی است که پس از بررسی، تجزیه و تحلیل فرضیات نتایج آنها به این شرح حاصل شد:

فرضیه یکم: به نظر می‌رسد بین مورفولوژی شهرستان دره شهر یا نحوه قرارگرفتن موقعیت جغرافیای این شهرستان نسبت به اقوامی که در همسایگی آنها قرار دارد با واگرایی ساکنین آن با سایر گروه‌های قومی ساکن در مرکز استان ایلام رابطه معنی داری وجود داشته باشد؛ با توجه به شبه فاصله ای بودن متغیر واگرایی و موقعیت جغرافیایی و شکل هندسی، برای بررسی معنی دار بودن رابطه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود.

بر اساس ضریب همبستگی بدست آمده (۰/۶۷۳) و سطح معنی داری (۰/۰۰۰)، می‌توان نتیجه گرفت که بین شکل هندسی شهرستان دره شهر یا نحوه قرارگرفتن موقعیت جغرافیایی این شهرستان نسبت به اقوامی که در همسایگی آنها قرار دارد با واگرایی ساکنین آن با سایر گروه‌های قومی ساکن در مرکز استان ایلام رابطه مثبتی وجود دارد. به این معنا که متفاوت بودن وضعیت اقلیمی جامعه مورد مطالعه با سایر شهرستانهای استان از عوامل ایجاد واگرایی آنان محسوب می‌شود.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین وضعیت اقلیمی شهرستان دره شهر با واگرایی ساکنین آن با سایر گروه‌های قومی ساکن در مرکز استان ایلام رابطه معنی داری وجود داشته باشد؛ برای بررسی معنی دار بودن رابطه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است، بر اساس ضریب همبستگی بدست آمده (۰/۶۳۵) و سطح معنی داری (۰/۰۰۰)، می‌توان نتیجه گرفت که بین وضعیت اقلیمی شهرستان دره شهر با واگرایی ساکنین آن با سایر گروه‌های قومی ساکن در مرکز استان ایلام رابطه مثبتی وجود دارد و بین میزان واگرایی و وضعیت اقلیمی رابطه معنی دار و مثبتی وجود دارد. لذا یکی از عوامل ایجاد کننده واگرایی در جامعه مورد مطالعه وضعیت اقلیمی و جغرافیایی می‌باشد.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین شیوه معیشت ساکنین شهرستان دره شهر (کشاورزی، صنعتی، دامداری) با واگرایی آنها با سایر گروه‌های قومی ساکن در مرکز استان ایلام رابطه معنی داری وجود داشته باشد.

برای بررسی معنی دار بودن رابطه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است، بر اساس ضریب همبستگی بدست آمده (۰/۷۱۵) و سطح معنی داری (۰/۰۰۰)، می‌توان نتیجه گرفت که بین شیوه معیشت ساکنین شهرستان دره شهر با واگرایی آنها با سایر گروه‌های قومی ساکن در مرکز استان ایلام رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. از این رو می‌توان گفت که بین میزان واگرایی و شیوه معیشت ساکنین رابطه‌ی معنی دار و مثبتی وجود دارد. به عبارت دیگر تفاوت در نوع شیوه معیشت با سایر اقوام باعث ایجاد واگرایی گردیده است.

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد بین زبان و نژاد ساکنین شهرستان دره شهر با واگرایی آنها با سایر گروه‌های قومی ساکن در مرکز استان ایلام رابطه معنی داری وجود داشته باشد.

برای بررسی معنی دار بودن رابطه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است، بر اساس ضریب همبستگی بدست آمده (۰/۵۷۹) و سطح معنی داری (۰/۰۰۰)، می‌توان نتیجه گرفت که بین زبان و نژاد ساکنین شهرستان دره شهر با واگرایی آنها با سایر گروه‌های قومی ساکن در مرکز استان ایلام رابطه معنی دار و مثبتی وجود دارد. نتایج ضریب همبستگی بین میزان واگرایی و نژاد و زبان ساکنین است. و می‌توان گفت که بین میزان واگرایی و نژاد و زبان ساکنین رابطه‌ی معنی دار و مثبتی وجود دارد. بدین معنا که با توجه به اختلاف در نوع زبان و گویش و نژاد ساکنین دره شهر با سایر قومیت‌های استان نوعی واگرایی اجتماعی در بین آنها پدید آمده است.

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد بین تعصبات و تعلقات و باورهای قومی ساکنین دره شهر با واگرایی آنها با سایر گروه‌های قومی ساکن در مرکز استان ایلام رابطه معنی داری وجود داشته باشد؛

برای بررسی معنی دار بودن رابطه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است، بر اساس ضریب همبستگی بدست آمده (۰/۶۰۵) و سطح معنی داری (۰/۰۰۰)، می‌توان نتیجه گرفت که بین تعصبات و تعلقات و باورهای قومی ساکنین دره

شهر با واگرایی آنها با سایر گروه‌های قومی ساکن در مرکز استان ایلام رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد نتایج ضریب همبستگی بین میزان واگرایی و تعصبات و تعلقات و باورهای قومی را نشان می‌دهد و بین میزان واگرایی و تعصبات و تعلقات و باورهای قومی رابطه‌ی معنی‌دار و مثبتی وجود دارد و این امر باعث ایجاد واگرایی بین قومی گردیده است. در پی انجام مطالعه میدانی ضمن استفاده از تکنیک‌های مصاحبه و مشاهده مشارکتی دستاوردهایی از قرار زیر حاصل گشت:

در انجام مصاحبه، با طراحی چهار فقره سوال باز بر اساس فرضیه‌های در نظر گرفته شده، جامعه مورد مطالعه را به دو تیپ‌های ایده آل اقلیت و اکثریت گوناگون تقسیم کردیم و از روش نمونه‌گیری اشباع شده یا هدفمند به اجرای مصاحبه به روش کتبی پرداختیم. پس از جمع‌آوری داده‌های مورد نظر و بررسی آنها سعی نمودیم عناصر مشترک در پاسخ به هر سوال را جمع‌آوری و نسبت به انتخاب عوامل اصلی اقدام نماییم.

۱) بعضی اعتقاد دارند که قرار گرفتن هم‌جواری دره شهر با لرستان و فاصله‌ی مکانی آن از مرکز استان یکی از عوامل واگرایی به شمار می‌رود نظر شما در این باره چیست؟

پاسخ دهندگان معتقد بودند که موقعیت جغرافیایی هر جامعه انسانی تاثیر بسیار زیادی در همگرایی دارد به این صورت که هر اندازه گروه‌های انسانی از نظر فیزیکی به هم نزدیک باشند به همان میزان از نظر ذهنی و خلق و خوی نیز به هم احساس نزدیکی ارتباط عاطفی دارند. همچنین به هر اندازه که بین جوامع انسانی موانع طبیعی از قبیل کوهستانها وجود داشته باشد توسعه راههای ارتباطی نیز به سختی انجام می‌گیرد و این امر خود می‌تواند بصورت طبیعی در عدم برقراری ارتباط و تعامل بیشتر بین اقوام ساکن در دره شهر با سایر قومیتها موثر باشد و از طرفی چون در ارتباط با دسترسی افراد جامعه مذکور به برخی از شهرستانهای تحت پوشش استان لرستان و از آن میان شهرستان پلدختر چنین موانعی موجود نمی‌باشد و دسترسی به آسانی انجام می‌گیرد لذا تمایل و گرایش ما به سمت آنها بیشتر است.

۲) بعضی اعتقاد دارند شهرستان دره شهر از نظر آب و هوایی و کمیت و کیفیت محصولات کشاورزی به لحاظ اقتصادی و معیشتی برتر از سایر نقاط استان است لذا سیادت و برتری دره شهری‌ها بر سایر مناطق استان امری طبیعی و بایسته است. تا چه اندازه با این اظهار نظر موافقت می‌کنید؟ لطفاً توضیح دهید؛

پاسخ‌هایی ارائه شده افراد نشان از این اعتقاد بود که به واسطه آنکه شهرستان دره شهر از نظر آب و هوایی و کمیت و کیفیت محصولات کشاورزی به لحاظ اقتصادی و معیشتی برتر از سایر نقاط استان است. لذا سیادت و برتری دره شهری‌ها بر سایر مناطق استان امری طبیعی و بایسته است. چنانچه افراد و گروه‌های استقرار یافته در یک مکان جغرافیایی که دارای یک اقلیم واحدی باشند و مصرف مواد غذایی نشأت گرفته از آن اقلیم و تاثیر آن بر روی ارگانسیم انسانی سبب می‌گردد که تا حد زیادی دارای یک سری ویژگی‌های مشترک باشند. این اشتراکات خود باعث همبستگی در بین افراد و گروههای موجود خواهد شد و با همین مقیاس در اقلیمهای متفاوت الزاماً ویژگیها متفاوت خواهند بود. لذا شهرستان دره شهر با توجه به دارا بودن اراضی حاصلخیز کشاورزی و با وسعت زیاد دارای نوعی اقتصاد معیشتی بر پایه کشاورزی است و به همین دلیل با سایر مناطق استان ایلام اساساً متفاوت بوده چرا که در سایر شهرستانهای استان کمتر چنین وضعیت مناسب اقتصادی حاکم است که این امر ما را به طور کلی متمایز گردانیده است

وضعیت مطلوب اقتصادی در دره شهر موجب شده تا ساکنین آن منطقه نسبت به سایر مناطقی که از وضعیت اقتصادی مناسبی برخوردار نیستند احساس آرامش بیشتری داشته باشند و به همین علت دارای آگاهی و توانمندی بیشتری در اداره امور می‌باشند. ساکنین در این شهر معتقد بودند علیرغم آنکه دره شهر از منابع و استعدادهای بالقوه اقتصادی خدادای برخوردار است اما در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های استانی موثر نیستند و تاکنون در خصوص سرمایه‌گذاریهای

کلان اقتصادی در این شهرستان اقدامی صورت نگرفته است. این امر به دلیل در حاشیه بوده این مرکز اقتصادی مهم نسبت به مرکز استان و عامل مهمی در ایجاد تعارض با برخی از سایر قومیتها که دارای نفوذ بیشتری در امر جذب سرمایه ها و سوق دادن اعتبارات استانی به سمت و سوی خود می باشند می تواند باشد؛ سطح بالای درآمد ساکنین دره شهر باعث گردیده در دیگر قومیتها نوعی حس حسادت نسبت به آنها بوجود آید و یکسری صفتهای ناروا به آنها نسبت دهند که خود به خود باعث ایجاد نوعی واگرایی گردیده است.

۳) بعضی اعتقاد دارند پیشینه ی تاریخ و تمدن در دره شهر بیشتر از سایر مناطق استان است لذا. تا چه اندازه با این نظر موافق لطفاً توضیح دهید؛

ساکنین شهر معتقد بودند پیشینه ی تاریخ و تمدن شهرشان بیشتر از سایر مناطق استان است و شاخص های فرهنگی نظیر آثار تاریخی و باستانی، استعداد و اشتغال مردم به صنایع دستی آنها از نوع مرغوب نظیر فرش، اهمیت مردم این شهر به علم، دانش و تحصیلات عالی، همچنین افتخار به زبان، آیین و آداب و رسوم کهن که مجموعاً موجب غنای فرهنگی در این منطقه شده است.

۴) به نظر شما چه عواملی می توانند در به وجود آمدن واگرایی گروه های قومی ساکن در شهرستان دره شهر نسبت به سایر گروه های قومی در استان ایلام موثر باشند ؟ لطفاً توضیح دهید.

ساکنین، مهمترین عامل در همبستگی ها یا فاصله های اجتماعی را موقعیت جغرافیایی و آب و هوایی می دانستند و بواسطه همجواری دره شهر و تداخل مرز جغرافیایی و اشتراک تاریخی با استان لرستان نوعی وابستگی میان این شهرستان با لرستان دیده می شود در نتیجه تعاملات و ارتباطات از نوع عاطفی بیشتر مشهود است.

همچنین عدم وجود راههای ارتباطی ، عامل مهمی در ایجاد واگرایی در بین گروه های قومی ساکن در دره شهر با سایر گروه های قومی در استان می باشد ؛ عوامل اقتصادی نیز از جمله عوامل مهم بروز تعارضات ، تفاوتها و یا همگرایی می باشد بدین نحو که هر چه وضعیت اقتصادی افراد ساکن در یک موقعیت جغرافیایی مطلوب باشد ارتباط درونی آنها همبسته تر و نسبت به گروه های خارج از آن موقعیت واگراتر هستند، ساکنین دره شهر چون از نظر وضعیت اقتصادی در سطح مطلوبی هستند با هم انسجام خاصی دارند و سایر شهرستانها ی استان بدلیل آنکه از چنین وضعیتی برخوردار نیستند در نتیجه نمی توانند ارتباط مستحکمی با هم داشته باشند؛ عوامل اجتماعی و فرهنگی از جمله: آداب و رسوم، زبان به عنوان عنصری مهم در ایجاد ارتباط یا عدم آن، از همه مهمتر نژاد، موقعیت و منزلت های اجتماعی، مسولیت های کلیدی در سازمانهای رسمی و دولتی از عوامل مهمی در ایجاد واگرایی و همگرایی میان مناطق مختلف استان هستند، هر اندازه این عوامل شبیه به هم باشند همگرایی و هراندازه متفاوت باشند واگرایی ایجاد می شود.

باتوجه به دستاوردهای پژوهش، یافته های حاصل از روشهای ترکیبی در ارتباط با مساله تحت بررسی حاصل گردید:

مجموعه عناصر و مولفه های جغرافیایی و اقلیمی از عمده عوامل ایجاد واگرایی ساکنین شهرستان دره شهر با مرکز استان نظیر همجواری بودن آن با استان لرستان و تداخل مرزهای جغرافیایی؛ سهولت در دسترسی ساکنین آن به شهرستانهای آن استان نسبت به مراکز دیگر استان ایلام؛ نحوه تقسیمات کشوری در گذشته و وابستگی تاریخی آن به لرستان؛ وجود موانع طبیعی از جمله، ارتفاعات و گردنه های پر پیچ و خم و مرتفع، مخصوصاً در مسیر تردد با مرکز استان ایلام یافته های حاصل شده نشان داد که ۴/۳ درصد پاسخگویان تأثیر عناصر و ارکان جغرافیایی را پایین، ۲۹/۹ درصد متوسط و ۶۵/۸ درصد آن را دارای تأثیر بالا دانسته اند. لذا مجموعه عناصر و مولفه های جغرافیایی از عوامل ایجاد واگرایی در بین ساکنین دره شهر با قومیتهای ساکن در مرکز استان می باشند.

مجموعه عناصر و مولفه های معیشتی و اقتصادی از دیگر عوامل ایجاد واگرایی ساکنین شهرستان دره شهر با مرکز استان نظیر شیوه معیشتی کشاورزی محور که دارای سابقه طولانی در این شهرستان می باشد؛ دارا بودن اراضی وسیع کشاورزی و حاصلخیز؛ برخورداری از رودخانه های زیاد و پرآب که موجب رونق بیش از حد کشاورزی در این منطقه گردیده؛ داشتن سابقه تاریخی- اقتصادی «سیمره» یا «دره شهر امروز» و وضعیت مطلوب اقتصادی ساکنین آن نسبت به سایرین که موجب احساس برتری اقتصادی و به دنبال آن بالا بودن وجهه و پایگاه اجتماعی است؛ یافته های حاصل شده نشان داد که ۷ درصد پاسخگویان تأثیر عناصر و ارکان معیشتی را پایین، ۲۱/۹ درصد متوسط و ۶۱/۱ درصد آن را دارای تأثیر بالایی دانسته اند. لذا مجموعه عناصر و مولفه های معیشتی از عوامل ایجاد واگرایی در بین ساکنین دره شهر با قومیت‌های ساکن در مرکز استان می باشند.

از عناصر مهم و مولفه های فرهنگی واجتماعی که باعث ایجاد واگرایی ساکنین شهرستان دره شهر با مرکز استان شده اند نیز می توان به وجود پیشینه تاریخی، آثار تاریخی و همچنین بالا بودن سطح تحصیلات و متفاوت بودن آداب و رسوم و پیشینه نژادی در افراد ساکن در دره شهر اشاره نمود. یافته های حاصل شده نشان داد که ۱۰/۵ درصد پاسخگویان تأثیر عناصر و ارکان فرهنگی را پایین، ۲۴/۷ درصد متوسط و ۶۴/۸ درصد آن را دارای تأثیر بالایی دانسته اند. لذا مجموعه عناصر و مولفه های فرهنگی از عوامل ایجاد واگرایی در بین ساکنین دره شهر با قومیت‌های ساکن در مرکز استان می باشند. با توجه به آنکه طرح برخی سوالات در متن پرسشنامه که به جهت سنجش میزان واگرایی در بین جامعه مورد مطالعه طرح شده بودند، پس از تجزیه و تحلیل در قسمت دستاوردها مشخص گردید ۴/۶ درصد پاسخگویان دارای واگرایی پایین، ۱۹/۵ درصد متوسط و ۷۵/۹ درصد نیز واگرایی بالایی داشته اند. که با توجه بالا بودن این میزان نیز واگرایی آنان مجدداً مورد تأیید قرار گرفت.

۴. بحث

ایران از جمله کشورهایی است که از ترکیب قومیت‌های مختلفی تشکیل یافته و ساختار اجتماعی آن نیز بر همین اساس شکل گرفته است. هر یک از این قومیتها به دلیل موقعیت جغرافیایی و اقلیمی، شیوه معیشتی، بافت فرهنگی واجتماعی و... از نوعی فرهنگ خاص متعلق به خود برخوردار بوده و در سطوح داخلی نیز دارای تعدد خرده فرهنگ هایی نیز هستند، قرار گرفتن قومیت‌های ایرانی در کنار هم، باعث تداخل مرزهای جغرافیایی آنان و همچنین برخوردهای فرهنگی بین قومی شده است که برخی اوقات به انسجام هرچه بیشتر آنها انجامیده و گاهی نیز موجب ایجاد تنشها، مناقشات، تعارضات و در نهایت واگرایی آنان نسبت به یکدیگر شده است. این ویژگی و شاخص ترکیبی قومی به مراتب و در سطح خرد تری در برخی از استانهای کشور نیز وجود داشته و به دلایل مذکور قابل توجه و از اهمیت ویژه ای برخوردار است، همانطوری که در بخشهای پیشین نیز اشاره گردید استان ایلام یکی از استانهای کشور می باشد که از ترکیب قومیت‌های مختلفی از جمله کرد، لر، لک و عرب تشکیل یافته که خاستگاه حضور هر کدام دلایلی تاریخی، سیاسی، جغرافیایی و اجتماعی دارند. در مطالعات مقدماتی پژوهش حاضر وجود نوعی واگرایی اجتماعی در بین برخی از این گروه‌های قومی به عنوان مساله‌ای اجتماعی کشف و مورد بررسی قرار گرفت که پس از بررسی علمی موضوع با استفاده از دیدگاه های داخلی و خارجی جامعه شناختی بحران‌های قومی و با تکیه بر نظریه جامع رابطه ساختاری مسایل اجتماعی با عدم توازن در ارکان و عناصر بنیادین جامعه سیف‌اللهی (۱۳۸۹)، موضوع را از سه منظر، جغرافیایی- اقلیمی، معیشتی- اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی با استفاده از سه روش، پیمایشی، اسنادی و مطالعات میدانی ضمن استفاده از تکنیکهای لازم و آزمونهای مورد نیاز مورد

تجزیه و تحلیل قرار دادیم که بر اساس نتایج بدست آمده هریک از مجموعه عناصر یاد شده از عوامل ایجاد واگرایی مذکور در بین قومیت‌های ساکن در استان ایلام سهم زیادی را به خود اختصاص داده بودند.

تعارض، ناسازگاری و در نهایت واگرایی گروه‌های قومی به هر شکل، وسیله و موضوع، از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی است. واگرایی در بین گروه‌های قومی همواره چه آشکارا و چه بصورت پنهانی تهدیدات بالقوه‌ای علیه امنیت ملی، توسعه یکپارچه هم در سطح استانی و هم در سطح ملی را در پی دارد و در دراز مدت در اشکال و صورتهای مختلف بروز می‌کند. لذا یکی از شاخصهای عدم توسعه یافتگی، پیشرفت و اختلال در امنیت ملی به جهت پراکندگی جمعیتی کشور پدیده قومیت و در نهایت واگرایی آنها نسبت به همدیگر می‌تواند باشد. بطور کلی با توجه به دستاوردها و یافته‌های موجود، نتایج نهایی این تحقیق در خصوص وجود چنین مساله‌ای و همچنین عوامل بروز دهنده آن به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

دو قوم لر و لک ساکن در شهرستان دره شهر نسبت به مرکز استان ایلام که غالباً از اقوام کرد تشکیل یافته‌اند واگرایی دارند و خود را جدای از آنان می‌پندارند، اقوام مذکور غالباً از لحاظ تمام شرایط اجتماعی و اقتصادی خود را برتر از سایر قومیت‌های ساکن در مرکز استان می‌دانند؛

مجموعه عوامل زیر باعث ایجاد این نوع واگرایی در بین اقوام ساکن در شهرستان دره شهر با اقوام ساکن در مرکز استان گردیده است:

(الف) مجموعه عناصر و مولفه‌های جغرافیایی و اقلیمی؛

(ب) مجموعه عناصر و مولفه‌های معیشتی و اقتصادی؛

(ج) مجموعه عناصر و مولفه‌های فرهنگی - اجتماعی.

عدم انطباق و سازگاری مجموعه عناصر فوق عمده‌ترین عوامل ایجاد واگرایی ساکنین شهرستان دره شهر با ساکنین مرکز استان ایلام می‌باشند که در این پژوهش کشف و شناسایی و مورد بررسی قرار گرفتند.

با توجه به اهمیت موضوع پژوهش دانستیم واگرایی در میان گروه‌های قومی در ایران به عنوان مساله مهمی است که در بیشتر اقوام ایرانی دیده می‌شود و گاهی نیز مسبب تنشها، مناقشات، تعارضات و در نهایت واگرایی آنان نسبت به یکدیگر شده است. لذا شناخت و مطالعه جامع از ساختار و کارکرد نظام اجتماعی در ایران و روابط و مناسبات اجتماعی در سطح گروهی حایز اهمیت بشمار می‌رود و بهره بردن از پژوهشهایی در این زمینه نیز چراغ راه آینده محسوب می‌شود. در راستای چنین هدفی و جهت گشایش بحث ارایه پیشنهاد در قالب راهکارهای راهبردی و کاربردی ضروری است.

پیشنادهای راهبردی: لزوم برنامه ریزی هوشیارانه در تفکیک تقسیمات کشوری و لحاظ قرار دادن آداب و رسوم و سنن اقوام مطابق با آن؛ لزوم توسعه راه‌ها و جاده‌های ارتباطی بین شهرستان دره شهر با مرکز استان و توسعه هرچه بیشتر آنها، که مراد به بیشتر و راحت‌تر اقوام بایکدیگر را فراهم آورده، آنان را از نظر فرهنگ و زبان به یکدیگر نزدیک کند؛ لزوم برنامه ریزی در جهت از میان برداشتن موانع طبیعی از طریق احداث تونل‌های متعدد برای دسترسی آسان ساکنین شهرستان دره شهر با مرکز استان و بالعکس؛ لزوم برنامه ریزی در جهت سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در شهرستان دره شهر و رونق بخشیدن هرچه بیشتر به بخش صنعت در کنار بخش کشاورزی؛ لزوم استفاده از نظریات صاحب نظران بومی و مشارکت دادن آنها در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی استان. لزوم تاکید بر توسعه همه‌جانبه در کل استان و ایجاد و پیگیری طرحهای عمرانی و.. در مناطق مختلف استان؛ لزوم تقویت بر تاکیدات دین اسلام در از بین بردن هرگونه تبعیض نژادی و تاکید حفظ و ترویج ارزشهای اسلامی؛ لزوم تقویت عوامل موثر و متشکله هویت ملی (دین، ارزشها و...) در برابر هویت‌های قومی و محلی؛ لزوم تاکید بر موارث فرهنگی بایستینه مشارکت همزیستی دائمی اقوام و دخالت

تاریخی اقوام در اداره امور کلان کشور؛ لزوم برنامه‌ریزی جهت تقویت وفاق اجتماعی به عنوان یک هدف کلان و تلاش در جهت تفکر ایرانی بودن؛ لزوم حفظ استقلال نسبی خرده فرهنگها و اصالت دادن به آنها و در عین حال برقراری اتصال و ارتباط بین اقوام از طریق تقویت و برجسته کردن نقاط مشترک بین اقوام و غیر اقوام (ارزش، عرف و...); لزوم بالا بردن سطح آگاهی مردم (قومیت‌ها) نسبت به پیامدهای منفی واگرایی.

پیشنهادهاى کاربردى: ایجاد تقویت ناوگان حمل و نقل عمومی توسط دولت در جهت بالا بردن سطح آمد و رفت بین ساکنین دره شهر با مرکز استان و بالعکس؛ ایجاد برابری در فرصتهای اساسی مانند شغل، تحصیلات و امکانات رفاهی؛ ایجاد برنامه‌ریزی در جهت به حداقل رساندن فرصت زمانی برای فروش محصولات کشاورزان دره شهری از طریق مرکز استان؛ ایجاد برنامه‌ریزی لازم در جهت سود دهی بیشتر فروش محصولات کشاورزی از طریق ایجاد خط ترانزیت به کشور عراق؛ ایجاد تبلیغ و تلاش برای اشباع بازارهای استان از محصولات کشاورزان دره شهری؛ ایجاد برنامه ریزی استانی جهت حضور مداوم و برابر مسئولان دولتی و دیدار با مردم در شهرستانهای مختلف استان، مخصوصا دره شهر؛ ایجاد توزیع مناسب و برابر قدرت در استان با لحاظ کردن مساله حساس قومی؛ ایجاد مقابله جدی با جریانهای قومی واگرا؛ ایجاد پخش برابر برنامه های محلی از رسانه استانی و رشد مطبوعات، زبان، موسیقی، هنر و پوشش محلی؛ ایجاد ارتقای سطح گردشگری در سطح استان با در نظر گرفتن ظرفیت دره شهر بعنوان گنجینه تاریخی استان؛ ایجاد تقویت احترام، عزت و تکریم قومیت‌های استان از سوی همدیگر.

منابع

- ابن حوقل (۱۳۴۵). صوره الارض. (جعفر شعار، مترجم). تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- اشیولر، برتولد (۱۳۷۳). تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی. (جواد فلاطوری، مترجم). تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- احمدی، حمید (۱۳۷۸). قومیت و قوم‌گرایی در ایران: افسانه و واقعیت. تهران: نشر نی.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷). شکافهای قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی. تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی. شماره ۴.
- حق پناه، جعفر (۱۳۷۷). جامعه مدنی و قومیت‌ها در ج.ا. ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی. پیش شماره دوم.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی. (چاپ اول). تهران: نشر کیهان.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان ایلام (۱۳۸۵). گزارش اقتصادی، اجتماعی ایلام. انتشارات فردوسی.
- سیف‌اللهی، سیف‌اله (۱۳۷۴). اقتصاد سیاسی ایران. تهران: انتشارات جامعه پژوهان.
- سیف‌اللهی، سیف‌اله؛ حافظ امینی، حمیرا (۱۳۸۸). برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و تاثیر آن بر واگرایی و همگرایی گروههای قومی در ایران. پژوهش‌نامه علوم اجتماعی. سال سوم. شماره ۲.
- سیف‌اللهی، سیف‌اله (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی ایران. (چاپ دوم). انتشارات جامعه پژوهان.
- سیف‌اللهی، سیف‌اله (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران. تهران: انتشارات المیزان.
- سیف‌اللهی، سیف‌اله (۱۳۸۸). مبانی جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات جامعه پژوهان.
- صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۸). مدیریت منازعات قومی در ایران. تهران: نشر مرکز تحقیقات استراتژیک.
- صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۵). مدیریت منازعات قومی در ایران: نقد و بررسی الگوهای موجود و آرایه الگوی مطلوب. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- لک‌پور، سیمین (۱۳۸۹). کاوش‌ها و پژوهش‌های باستانی دره شهر (سیمره). تهران: انتشارات پازینه.
- مالشویچ، سینیشا (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی قومیت. (چاپ اول). (پرویز دلیرپور، مترجم). تهران: نشر آمه.